

روانشناسی بالینی یکی از تخصص‌های روانشناسی به شمار می‌رود که بر اساس ترکیبی از علم، دانش بالینی و نظریه شکل گرفته است. اصلی‌ترین کاربرد روانشناسی بالینی به درمان مسائل و مشکلات روانی اختصاص دارد. ممکن است روان‌درمانگر از رویکردهای التقاطی نظیر رویکرد انسان‌گرایانه، روان‌پویایی و شناختی-رفتاری استفاده نماید. ما در این مقاله قصد داریم درباره ی چستی و کاربردهای روانشناسی بالینی مطالبی را ارائه دهیم.

روانشناسی بالینی چیست؟



یکی از تخصص‌های روانشناسی که در فراهم آوری مراقبت‌های جامع بهداشت روانی و رفتاری برای انسان نقش بسزایی دارد، روانشناسی بالینی است.

به عبارتی دیگر روانشناسی بالینی به عنوان یک شاخه از علم روانشناسی، حاصل ترکیبی از علم، دانش بالینی و نظریه است. هدف از طراحی روان‌شناسی بالینی درک، تسکین و پیشگیری از اختلال عملکرد شناختی، توسعه فردی و ارتقای بهزیستی ذهن می‌باشد.

طبق انجمن روان‌شناسی آمریکا به مطالعه‌ی ذهن و رفتار روان‌شناسی اطلاق می‌شود. در راستای بررسی علمی احساسات، افکار و رفتار انسان شاخه‌های مختلف روان‌شناسی گسترش یافته‌اند. مهم‌ترین شاخه‌های روانشناسی شامل روان‌شناسی رشد، بالینی، شناختی، رفتاری، قانونی، شخصیت، اجتماعی و صنعتی-سازمانی می‌شود.

روان‌شناسی بالینی طیف گسترده‌ای از آسیب‌های روانی را شامل می‌شود. این نوع روانشناسی می‌تواند طیف وسیعی از اختلال‌های روانی را اعم از اضطراب تا اسکیزوفرنی تحت تاثیر واقع سازد.

اصلی ترین مشخصه‌ی روانشناسی بالینی تلفیق دانش و مهارت در ابعاد درونی و بیرونی روانشناسی است. در واقع روان شناسی بالینی با ادغام علم روانشناسی و درمان مشکلات روانشناختی انسانی موثر عمل می‌کند.

دامنه **روانشناسی بالینی** دربردارنده‌ی سیستم‌های متنوع و رده‌های سنی گوناگون است.

روانشناسی بالینی؛ از گذشته تا کنون

سابقه نخستین تحقیقات روانشناسی بالینی به تلاش‌های بی وقفه یک روانکاو اتریشی به نام زیگموند فروید باز می‌گردد. زیگموند بر این باور بود که بیماری روانی یک مسئله است که از طریق گفتار درمانی و روان درمانی قابل بهبود است.

در سال ۱۸۹۶ میلادی اولین کلینیک روانشناسی بالینی به وسیله‌ی یک روانشناس آمریکایی به نام لایتنر ویتمر تاسیس شد. هدف از تاسیس این کلینیک کمک به کودکانی بود که از عارضه ناتوانی در یادگیری در رنج بودند.

علاوه بر این، نخستین شخصی که در سال ۱۹۰۷ میلادی مقاله‌ای با عنوان "**روانشناسی بالینی**" را منتشر کرد به لایتنر ویتمر اختصاص دارد.

در طول تاریخ روانشناسی بالینی تکامل پیدا کرده است و حوزه‌های گسترده‌ی روانشناسی را در بر می‌گیرد.

حوزه‌های روانشناسی که تحت پوشش روانشناسی بالینی قرار دارند، به شرح ذیل هستند:

- روانشناسی جامعه
- روان درمانی
- روانشناسی اجتماعی
- سایکونورواپیمونولوژی
- روانشناسی خانواده و زوجین
- توانبخشی عصبی روانی
- روانشناسی بالینی کودکان و نوجوانان
- ارزیابی روانشناختی
- روانشناسی بالینی بزرگسالان
- توانبخشی عصبی روانی
- عصب روانشناسی بالینی
- روانشناسی جامعه شناسی

همچنین بخوانید "[روانشناسی اجتماعی چیست؟ موضوعات روانشناسی اجتماعی](#)"

اصول و رویه حاکم در روانشناسی بالینی



ارزیابی

ارزیابی یکی از اصل‌های روانشناسی بالینی، ارزیابی تشخیصی است. ضرورت دارد اصل ارزشیابی تشخیصی قبل از تعیین رویه درمان مشخص گردد.

جالب است بدانید ارزیابی ضمن مصاحبه تشخیصی شامل ارزیابی رفتاری، به کار گیری و تفسیر نتیجه‌های تست روانشناسی می‌شود.

مداخله

در مرحله‌های اولیه، ثانویه و سوم رویه‌ی مداخله کاربرد دارد. در این اصل به خانواده و گروه‌های درگیر با بیمار خدمات بالینی ارائه می‌شود.

امور اجرایی

در اصل امور اجرایی تمرکز بر آن است که هیچ کار و مسئله‌ای فاقد مطالعه و تحقیق شکل نگیرد.

مشورت

روان شناسی بالینی شامل گستره‌ی پهناوری از رشته‌های تخصصی می‌شود. در راستای درمان ضرورت دارد یک تیم دربارہ‌ی موضوع مشکل ساز به یکدیگر به بحث و مشاجره بپردازند .

پیشگیری

در اصل پیشگیری سعی می‌شود تا از شکل‌گیری ناراحتی و مشکلات آینده جلوگیری به عمل آید. هدف از اصل پیشگیری تسریع روند درمان است.

رویکردهای روانشناسی بالینی

در حوزه روانشناسی، روان‌شناس‌های بالینی تحت عنوان روان‌درمانگر مشغول به کار هستند. درمانگران عمدتاً بیماری‌ها را از طریق بهره‌گیری از متدهای مختلف درمان در مسیر بهبود قرار می‌دهند.

اکثر روانشناسان به یک رویکرد خاص تمرکز دارند. با این وجود عده‌ای از روان‌درمانگران از رویکرد التقاطی بهره می‌گیرند. هدف از رویکرد التقاطی تهیه بهترین متد درمان برای بیماران است که در آن روش‌های مختلف نظری مورد استفاده قرار می‌گیرند.

رویکرد انسان‌گرایانه

رویکرد انسان‌گرایانه به وسیله‌ی دو دانشمند اومانیستی به نام‌های کارل راجرز و آبراهام مزلو شکل گرفته است. در این رویکرد دیدگاه روان‌شناس به بیمار کلی است و به اصولی نظیر ساختن خود واقعی مبتنی می‌باشد.

رویکرد شناختی-رفتاری

یکی از رویکردهای روانشناسی بالینی، دیدگاه شناختی-رفتاری است. این نوع رویکرد متشکل از مکتب‌های فکری رفتاری و شناختی تهیه شده است. در رویکرد شناختی-رفتاری روان‌درمانگر با بهره‌گیری از مکتب رفتاری و شناختی به بررسی نحوه تعامل رفتارها، احساسات و افکار بیمار می‌پردازند.

در درمان به روش شناختی-رفتاری سعی می‌شود تا باورها، افکار و رفتارهایی که زمینه‌ساز پریشانی روانشناختی هستند، تغییر پیدا نمایند.

رویکرد روان‌پویایی

دیدگاه [روان‌پویایی](#) تحت تاثیر عملکرد زیگموند فروید شکل گرفته است.

فروید بر این باور بود که رفتار انسان تحت تاثیر ذهن ناخودآگاه شکل می‌گیرد. روانشناس‌هایی که در راستای درمان از رویکرد روانکاوی یا روان‌پویایی بهره می‌گیرند برای بررسی انگیزه‌های اساسی و ناخودآگاه بیمار از تداعی آزار استفاده می‌کنند.

کاربرد روانشناسی بالینی

اصلی‌ترین کاربرد روانشناسی بالینی به درمان مشکلات روان‌پزشکی و بیماری‌های روانی اختصاص دارد. در واقع روانشناسی بالینی به درمان مشکلات رفتاری و سلامت روان می‌پردازد که انسان در طول زندگی آن‌ها را تجربه می‌کند.

به طور کلی ضرورت دارد برای بهره گیری از روان شناسی بالینی بالغ بر ۱۱ سال از بروز اولین نشانه‌های بیماری روانی گذشته باشد. نشانه‌های اختلال‌های روانی عمدتاً شامل اختلال در خواب، تغییر در خلق و خو، اشتها، اختلال حافظه و شخصیت می‌شود.

شایان توجه است که روانشناسی بالینی به عنوان یک تخصص به مردم جامعه و پیشینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خدمات ارائه می‌سازد. علاوه بر این، روانشناسی بالینی در راستای درمان اختلالات روانپزشکی، رفتاری و جسمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از سری کاربردهای روانشناسی بالینی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- مسائل روانی جزئی و آسیب‌های روانی شدید
- اختلال دو قطبی
- OCD
- اضطراب
- اختلال استرس پس از سانحه
- وابستگی عاطفی
- اختلالات شخصیت
- روح درمانی
- اختلال در خواب
- ناسازگاری رفتاری، فکری، روانی، عاطفی و اجتماعی
- معلولیت
- احساس غم و اندوه
- اختلالات جنسی
- سوء استفاده جنسی
- افسردگی
- مشکلات رفتاری
- اختلال کمبود توجه- بیش فعالی
- مبتلایان به اختلال خود زشت انگاری

وجه تمایز روانپزشکی و روانشناسی بالینی



در اکثر موارد رشته‌های روانپزشکی و روانشناسی بالینی به موجب درمان اختلالات روانی و عاطفی اشتباه گرفته می‌شوند.

این درحالی است که روش‌های کاربردی در دو رشته‌ی روانپزشکی و روانشناسی بالینی به طور کامل متمایز است.

روان شناس‌ها به درمان مراجعه کنندگانی می‌پردازند که بیماری روانی آن‌ها تحت تاثیر رویدادهای منفی و سابقه آسیب‌های عاطفی در گذشته شکل گرفته باشد. رویکردهای درمانی مورد استفاده در روان شناسی بالینی عمدتاً شامل گفتار درمانی می‌شود و از محدوده تکنیک‌های پزشکی خارج است.

علاوه بر این، روانشناس‌ها دارای مدرک دکتری روانشناسی می‌باشند.

روانپزشک زمانی وارد عمل می‌شود که اختلال مراجعه کننده به موجب علت‌های فیزیولوژیکی به ویژه عدم تعادل در شیمی مغز شکل گرفته باشد. روان پزشک‌ها معمولاً دارای مدرک کارشناسی روانشناسی هستند. بدین ترتیب با اکثر درمان‌های شناختی- رفتاری را که روانشناس‌های بالینی مورد استفاده قرار می‌دهند، آشنایی دارند.

جالب است بدانید روان پزشک‌ها بر خلاف روانشناس‌ها می‌توانند به تجویز دارو بپردازند.

بدین ترتیب می‌توان گفت روانپزشک‌ها، پزشکانی هستند که اختلالات روانی را از طریق دارو درمان می‌نمایند.

موسسه آموزش عالی آزاد هفتاد کارگزار رسمی برگزارکننده دوره های روانشناسی در دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران

۰۲۱۲۲۳۵۴۰۰۰

<https://haftad.org>